

زوشته دانشمند محترم:

جناب آقای غفوری

روحانیت و زندگی

مقصود از کلمه روحانی

لفظ روحانی و روحانیت کلمه ایست که به تازگی (و شاید هم از مسیحیت کم کم) در میان مسلمین معمول شده و مقصود از آن، تشکیلات و اشخاصی هستند که عهد داریک قسمت از امور مذهبی بوده و چنین معرفی شده اند که خود متوجه حقایق عالی هستند و در صدد راهنمایی دیگران و تهیه وسائل برای بیداری آنان نیز میباشند، که در اسلام از مرحله تحصیل علوم دینی شروع شده و به مرجعیت مسلمین و عهده دار شدن اداره اجتماع اسلامی بصورت تدریس، فتوی، و بیان وظائف مسلمین خاتمه می یابد.

در این میان بصورت مشاغلی از قبیل وعظ و تبلیغ احکام، در داخل و خارج کشور، تخصص در اثبات عقاید اسلامی و مقایسه احکام اقتصادی و اجتماعی و قوانین جزائی و حقوقی اسلام با قوانین مشابه ملل دیگر در مقابل سایر مذاهب و فرقه و ذکر قصص اسلامی و شهادت فدائیان راه

اسلام، و بالاخره امور دیگر که امروزه بآن ملحق شده است مانند اقامه جماعت، اجراء عقد ازدواج، حضور واستماع طلاق ویک یاچند مرحله پائین تر (در نظر عوام) بصورت های خدمت در زیارتگاه ها، یا تعزیه خوانی واستخاره و دعا خواندن و نوشتن، و احیاناً به بدترین صورت خود یعنی گدائی های بسیار زنده و توقعات بیجادر آمده است (۱).

طایفه روحانی درازمنه قدیم ومیان ملل مختلف از ایران؛ یهود و دیگران، دسته خاصی از جمعیت را تشکیل میداده اند، چنانکه در ایران مردم به طبقاتی تقسیم میشده اند و هر طبقه آتشکده مخصوص بخود و موقعیت خاصی را در وضع کشور داشتند و از جمله مؤبدان و روحانیون بودند که آتشکده آذر فرنیغ مخصوص آنها بود چنانکه بلوزینه هر روز شب. نیز به ترتیب، اختصاص به کشاورزان و ارتشیان داشت.

کاخانه فیضیه قم

در یهود نیز مشاغلی خاص، مانند قربانی و غیره، حتماً باید توسط عده ای بنام کاهن یا روحانی که از نسل هارون باشند انجام گیرد.

(۱) بعضی از مردم عوام وسطیحی وحتی عده ای از روشنفکران اصطلاحی که از تشکیلات روحانیت اطلاع درستی ندارند از کلمه «روحانی» بملط عامه بسرهایی که اطراف قبریک امام یا امامزاده را احاطه کرده اند، و با آن دعانویس و دعا خوان وقت سفر و یا مردمان مفلوک و بیچاره ای که با عبای عیامه کنار معا بر عومی ایستاده و یا در مساجد و تکایا بمنواین مختلف از مردم کمک می خواهند و احیاناً بر مالی و .. متوسل میشوند و امثال اینهارا میفهمند و این قیافه ها در ذهن آنها مجسم میشود.

ولی در اسلام چون مزیت طبقاتی وجود ندارد؛ بسیاری از مشاغل فعلی روحانیت را هر فرد عادی از اهل ایمان بشرط اینکه از عهده آن کار برآید، میتواند عهده دار شود. مانند امامت جماعت و اجراء عقد و امور دیگر.

فقط موضوع تخصص در امور مذهبی، و تبلیغ و تدریس آن است که مستلزم صرف وقت و تحصیل است و از عهده همه مردم برنمی آید که سالهای سال عمر خود را در آن صرف کنند و اشخاص خاص هستند که باعلاقه آنرا تعقیب میکنند از هر صنف که باشند.

البته وظیفه عموم است که معتقد به امور معنوی بوده و دریک زندگی مادی محض غرق نباشند و باین معنا همه اهل دیانات روحانی و معنوی محسوب می گردند (در صورتیکه با آنچه میگویند پابند باشند نه آنکه فقط از نظر جغرافیائی یا سجل احوال خود را مسلمان یا مسیحی و بالاخره متدین معرفی کنند).

در میان مسیحیان نیز تشکیلات وسیع روحانیت، مخصوص پاپ هاست و غالب مطالبی که در ذهن اروپائیان یا آنانکه با کتابهای اروپائی آشنائی دارند، راجع به کلمه روحانی و روحانیت موجود است مربوط بهمین هاست و اعمال پاپها در قرن ۱۶ و ۱۷ در مقابل پیشرفتهای فکری و علمی، و بازرسی عقاید؛ و برخورد با مقاومت های معترضین و در نتیجه پیدایش پروتستان، مطالبی است که آشنایان به تاریخ رنسانس (Rennssanse) خوب میدانند و عمده بدبینی های موجود، از عکس العمل پاپها با کونتر رفرم، و سپس با کاپله، و نظائر

آن امور شروع شده و امروز هر دسته از مردم چه مسلمان و چه غیر مسلمان
خاطرات مختلفی از روحانیت دارند.

قضاوت‌های مختلف در باره روحانیت

حال که اجمالی از معنی این کلمه گفته شد خوبست به قضاوت‌نهایی
هم که در باره این دسته از مردم، از طرف دستجات مختلف میشود
اشاره شود و شاید بتوان تمام آنها را در پنج دسته ذیل خلاصه کرد:

- ۱- موافق ۲- مخالف صد درصد ۳- نیمه مخالف ۴- موافق
مشروط ۵- بیطرف.

دسته اول

موافقین میگویند بادر نظر گرفتن وضع فعلی جهان، راستی اگر
تعلیمات دینی و روحانی نیز از میان مردم برداشته شود یک درندگی
و توحش که لازمه زندگی مادی است حکمفرما گشته و تنها راه
جلوگیری از این درندگیها، همان راهنمائیهای دینی است و غالباً
هم مردان پاک و بی آرایش، از میان همین دسته پیدا شده‌اند و زندگی
انسان، منهای روحانیت؛ مساوی است بادرندگی و شکم و شهوت پرستی.
یعنی حیوانیت، باضافه هوسهای نامحدود.

و البته عده معدودی از موافقین نیز آنهایی هستند که از وضع
موجود از نظر مادی بهره‌مندند (چه از نظر سیاسی و اقتصادی و چه
از نظر فردی و نوعی و لذا بانگهداری این وضع موافقتند.

دسته دوم

و مخالفین که معمولاً از افرادی هستند که تمام حواسشان

اطراف مادیات دور میزند میگویند: آخر چه احتیاجی باین تشکیلات داریم، این دسته چه مسئولیتی دارند؟ از مردم چه میخواهند. اگر برای قوانین و امور اقتصادی و اجتماعی است که کم کم خود بشر ترتیب داده و بتدریج رفع نواقص آنرا میکند و اگر برای امور فردی و رابطه انسان با خداست که اینهمه تشکیلات نمیخواهد و انگهی خدا چه حاجتی بما و اعمال ما دارد. چه خوب است که تمام قوا و استعدادات ما صرف تأمین یک زندگی صحیح شود و این تشریفات زائد که غالباً جمود فکری پیش میآورد؛ ترك شود.

و باز علت مخالفت خود را سوء استفاده ها؛ آلت دست سیاست شدنها؛ کشتارها، مخالفتهای عمومی متمادی می شمارند و ادعا میکنند که اینها دائماً بوسیله رهبران و مدعیان این امر، و در اثر تعالیم ایشان پیش آمده، میگویند تلقیناتی که از طرف مذاهب، با امید یک جهان دیگر انجام شده، طبقه ستم کش را باجر آن دنیا نود میدهند و آنها را دعوت بصر، در مقابل ظالمین مینمایند، فکر جامعه را تخدیر میکنند. اینها را با یک آب و تاب بیان کرده و دلیل مخالفت خود میدانند

دسته سوم

و دسته نیمه مخالف میگویند: ما میدانیم که بنیان گزاران مذاهب از زمره بزرگترین و نجیب ترین مردمی هستند که در دنیا بوجود آمده اند و هیکوشیدند که از تیره روزی مردم بکاهند و از حمله بردن بوضع فاسد روز، باک نداشتند، ولی امروزه می بینیم این دستگاههایی که منتسب بآنهاست؛ بکلی اصل مطلب را فراموش

کرده و تنها يك سلسله تشریفات را تعقیب و نگهداری کرده و سالها عمر خود و مردم دیگر را صرف جزئیات انجام فلان دستور یا ادای تشریفات مینمایند .

مثلا میگویند خیلی عجب آور است که مسیح آنهمه اصرار در ملایمت و عدم خشونت داشت و مدعیان پیروی او ، با تسلیحات خود ، به پرستش ثروت ، و استعمار دیگران مشغولند و دستگاہهای روحانیت آنها نیز بهمین فئاعت کرده اند که مردم روز تولد مسیح را جشن گرفته و یا مراسم تعمید و کلیسارا بجامی آورند .

همچنین در سایر مذاهب نظیر این مسامحه کاریها وجود دارد و تنها بهره برداری از زحمات پیشوایان اصلی بجا مانده است و از طرفی طبقه اشراف و يك عده که بنام مذهب حکومت و ریاستی دارند تنها دستوراتی را که بنفع خودشان باشد گرفته و بقیه را که مخالف منافع آنها یا موجب جنبش و بیداری مردم است در بوته فراموشی نگهمیدارند .

دسته چهارم شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و اما دسته چهارم که موافق مشروطتند میگویند ما میدانیم دستوراتی که از آثار پیغمبران بجا مانده تنها راه سعادت عموم است ولی مثلاً در اسلام اعمال غرضها بعد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله چهره حقیقی قسمتی از دستورات دین را پوشانده و بعضی از دستورات مانند صبر ، توکل ، مقدرات و مطالبی از این قبیل با اینکه معانی صحیحی دارند بغلط فهمیده شده یا بمردم بغلط القاء شده است و در نتیجه بعضی تعلیمات و اعمال ناشایست ، و نزدیک شدن یکدسته منتسب دین بدستگاہهای

ظلم، و طمع ها و بی خبریهائی که پیدا شد چنین وضع نامنتظقی برای روحانیت پیش آمد؛

و اینک باید با کمال بی غرضی، معایب را اصلاح کرد و حقایق تعلیمات مفید دین را که دست بدست در اثر زحمات بسیار زیاد گذشتگان بما رسیده است بگوش جهانیان رسانده و خود نمونه، آن باشیم و مخصوصاً روحانیت شیعه که همیشه در زمان حکومت بنی امیه و بنی عباس (وقتی میدید روح اسلام که خواهان عدالت عمومی و برادری جهانی است، در راه جاه طلبی و تجمل پرستی کسانی که خود را پیشوای مسلمین معرفی کرده اند رنگ اصلی خود را تغییر داده است) بهر وسیله که میتواند استمداد از تربیت شاگردان و مقاومتیهائی که منتهی به تبعید و حبس و قتل آنها میشد، قوانین را حفظ کردند بنا بر این اگر ما بتوانیم با تجدیدنظر در قسمتی از امور دینی و اخلاقی، خود اسلام را آن طور که هست برسانیم (چون این دین فطری بشر است) مورد استقبال قرار خواهد گرفت، بنا بر این، این وظیفه سنگین بعهده یکدسته پیشوایان دین اسلام است^۱ که با واقع بینی، نقشه های اصلاحی طرح کرده (مخصوصاً امروز که تعصبها کمتر شده است) تا بتوانند یادگار پیغمبر اسلام را در دسترس جهانیان گذاشته و نهضتی در امور اقتصادی و برقراری عدل صحیح اجتماعی ایجاد نمایند و اگر کوتاهی کنند محکوم بهمین وضع موجود بوده و روز بروز باید منتظر عقب نشینی بیشتری باشند.

دسته پنجم

واما عده بیطرف چون می بینند هر کس با آنچه دارد خوشحال است و دیگران را تخطئه کرده و ابله و کافر میدانند، صلاح خود را این دانسته اند که اثباتاً و نقیاً اظهار نظری ننمایند و دنبال يك رشته امور علمی یا اقتصادی و یا زندگی معمولی عرفی خود را بگیرند و با سایر زمان پیش بر روند و میگویند لابد اجتماع تاریخی احتیاج بوجود چنین دستگامی داشته باشد آنها را در خود می پرورد .

دشمنان روحانیت

غرض ما در این مقاله ذکر دلایل هر دسته به تفصیل و جوابگوئی و بحث و گفتگو در صحت و سقم و بیان مغالطه ها و اشتباه کاریها و مخصوصاً غرض ورزیها نمی که در این مورد شده و میشود نیست و فقط میخواهیم در این مورد بحث کنیم که «تشکیلات روحانیت بازندگی» چه تماسی دارد و آیا آنها محدود به ذکر و ورد و مراسم در معابد است؟! یا باید در منزل؛ مغازه، اداره، کاخ فرمانروائی، کرسی قضاوت و بالاخره در هر محیط کوچک و بزرگ حکومت و اثر داشته باشد و برای این منظور مناظره ای را که در این مورد پیش آمده با مختصر تجدید نظری بیان میکنیم که کم و بیش به بعضی از اختلافات نظر ها نیز در باره دین و روحانیت در آن اشاره شده است و فقط در این مقدمه یاد آور میشویم .

در کشورها که سیاستهای مختلفی نظر بوضع آن دارند، نقشه‌هایی در کار هست که استقلال واقعی (نه ظاهری) آن را دچار مخاطره سازد، یکی از هدفهای مشترک این سیاستها، بی عقیده کردن مردم به مبانی دین آنها است، چون تنها در سایه اتحاد دین میتوان حیثیت ملی و مذهبی را حفظ کرد. این است که گاهی بنام ملیت، شکافی بین ممالک اسلامی که از نژاد های مختلفند ولی اسلام آنها را بهم پیوند برادری زده است، می‌اندازند و گاهی ظهور اسلام و رواج آن را بزور شمشیر معرفی کرده و ضمناً یک راه دیگر نیز تبلیغات وسیعی است که راجع بوضع رهبران دینی بمنظور بد بین کردن مردم به تشکیلات روحانیت است.

آری تخطئه ایفان، هدف مشترک دین سازان، استعمار گران و بوالهوسان آنها که هوس محله برهنگان بعضی کشورها را کرده و دلشان برای یک آزادی حیوانی شوره میزند و منتظر این هستند که فرصتی پیدا شود و بی عفتی در کوچه و خیابانها بدون مزاحمت راه بیفتد بدون توجه به عواقب و خیم آن که دیگران از آن خسته شده‌اند، میباشد.

واز طرف دیگر آنها که برآستی خود را خادم این دین میدانند باید توجه داشته باشند، وظائف سنگینی بعهده آنها است و اوضاع جاری فعلی دستگاه روحانیت چنانکه خود بهتر میدانند، خالی از نواقص نیست و دل خود آنها بی-ش از هر کس متأثر است و وضع زمان بی-ش از این اج-ازه بی اعتنائی و سهل انگاری نمی-دهد

به عمق اشکالاتی که وجود دارد توجه کنند و با تمام موانعی که در کار آنهاست و با همه زخم زبانه‌ها که می‌شنونند؛ با همه محرومیت‌ها که از زندگی اجتماعی دارند، در صدد باشند که از قوا و استعدادات خود و نیروی ایمان مسلمین که با کمال میل آرزو مندند یک دستگاه صحیح روحانیت داشته باشند استفاده شایسته نمایند و البته نباید از انتقاد صحیح روگردان بود، بلکه باید با کمال میل بآن توجه کرد و در صدد رفع نواقص برآمد.

درست است که حکومتها نخواستند و یا نتوانسته‌اند، در برطرف کردن مشکلات؛ با دستگاه روحانیت همکاری داشته باشند بلکه غالباً خود از پیشرفت حقیقی آنها نگرانند. اما مردم مسلمان پشتیبان اقدامات اصلاحی هستند و **الله من وراءهم محیط**

امید است هر کس در هر مرحله‌ای که هست و هر شغلی از مشاغل روحانیت را دارد متوجه باشد که چه امانتی در دست دارد و بخاطر داشته باشد که روزی برده از کارها برداشته میشود.

و مردم نیز متوجه باشند که از طرفی گول تبلیغات زهر آکین را نخورده و از طرفی نمونه‌های فاسدی که در لباس اهل علم و دین می‌بینند، بماهیت حقیقی آنها پی برده و آنها را بحساب دین نگذارند و جوانان تحصیل کرده نیز در مطالعه بعضی مطالب که قضاوت آنها راجع به دین و مذهب است تأمل و دقت کافی نمایند و بدانند که انتقاد شدید آنها بیشتر روی کارهائی است که از روحانی نماها دیده و شنیده‌اند و یا

مربوط بمذاهبی است که صرفاً ساخته و پرداخته بیگانگان است و رهبران آنها هم خود را در آن ممالک بسر میبرند اینک اصل مناظره .

روحانی و مشاغل روحانیت

«سؤال - روحانی در اسلام به چه کسی گفته میشود ؟ و مشاغل روحانیت چیست ؟»

جواب - با فرض اینکه تأثیر برنامه انبیاء را در زندگی جوامع بشری قبول داشته باشیم ؛ و قبول کنیم جوامعی که از تعلیمات انبیاء بی خبرند ناقص اند و زندگانی صحیحی که بر پایه فضیلت و حقیقت باشد ندارند، و با توجه باینکه اصولاً روحانیت برای تعقیب هدف انبیاء و بیان و تفسیر و تبلیغ مقاصد آنها در هر جامعه ای که باشند بوجود آمده است ، دور نمائی از هدف و مشاغل آنها برای همه ولو خیلی تاریک معلوم است ، ولی برای این سؤال ، باید مجعلاً از مشاغل و آثار وجودی روحانیت را متذکر شوم و بیان کنم که بجه نحو اینها دنبال هدف انبیاء را گرفته اند و لذا میگویم :

اگر چه در اسلام طبقه خاصی باین عنوان مشخص نشده است که عهده دار امور دینی باشند ، ولی امروز کسی که یک قسمت از امور دینی را به عهده گرفته سعی میکند مردم را از حیث گفتار و کردار بدستورات اسلام آشنا سازد ، معمولاً بعنوان روحانی شناخته می شود و مشاغل مربوطه آن نیز عبارتند از :

۱ - تحصیل علوم دینی ؛ بطوری که آنها را مجهز برای شناسائی

دین و شناساندن آن بديگران نماید؛ که هر يك بعد از فرا گرفتن مقدمات مشترك، رشته خاصی را که متناسب با ذوق و استعداد خود دیدند تعقیب کرده و ممکن است در رشته‌ای تخصص یابد یا در رشته‌های مختلف اطلاعاتی کسب نماید و سپس آنچه را وظیفه دینی خود تشخیص داد انجام دهد و هدف دینی خود را بهر طریق مقتضی باشد تعقیب کند.

۲- موضوع تدریس و تربیت این عده است که در رشته‌های مختلف توسط اساتید فن اجراء میشود.

۳- تبلیغ احکام دین از حیث اصول - فروع - اخلاق که در جلسات خصوصی و عمومی در داخل و خارج کشورهای اسلامی انجام میشود و توجه دادن مردم بخدا پرستی و رعایت اصول برادری و وعظ و ارشاد و آشنا کردن آنها به قرآن و بالاخره اثبات حقانیت مکتب دین، در مقابل مخالفین و منکرین و قانع کردن هر دسته را بفرخور علم و اطلاع و مبانی عقلی و اعتقادی که دارند (که قبلاً باید در این مورد تخصص یافته باشد).

ادع الی سبیل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة وجادلهم

بالتی هی احسن .

دعوت کن به راه پروردگارت با بکار بردن دلائل محکم و متین علمی - و پندهای نیکو و مؤثر و با هر کس به بهترین صورت ممکن با استفاده از مطالب مورد قبول او .

۴- نویسندگی و نشر کتاب و نوشته‌ها و جزوه‌ها در رشته‌های

مختلف، و مورد حاجت بمنظور روشن کردن افکار مردم در شعب مختلف علوم اسلامی و برای طبقات مختلف در هر دوره وزمانی بتناسب آن و خلاصه حقایق و دستورات دین را با اثبات امتیاز آن و بمقتضای روز در دسترس مردم گذاشتن.

۵ - سرپرستی جماعتی از مسلمین در هر قریه یا شهر کوچک یا بزرگ که در موارد لزوم آنها را رهبری نموده و در حدود اختیاراتی که دارد بامور حسبیه رسیدگی و غالباً ضمن اقامه جماعت، مطالب اعتقادی - عملی - اخلاقی و تاریخ ادیان و شرح حال پیشوایان دینی را که باید درس زندگی قرار گیرد بایشان به صورت درسهای منظمه میآموزد و آماده سؤالات و رفع اشکالات آنهاست و مخصوصاً در خطبه های نماز جمعه یا عید فطر و قربان که اجتماعات بیشتری تشکیل میشود علاوه بر مطالب اعتقادی و توجه دادن خلق به نعمتهای خالق و وظائف اخلاقی آنها آنچه را مسئله روز مسلمین است یادآوری کرده و مرتباً آنچه را در الفت و ایجاد اتحاد و اقدام بامور عام المنفعه و رفع شبهات و تشکیل صف واحد در مقابل مشکلات روز مؤثر است تذکر میدهد و البته خود نماز جماعت منهای آنچه ذکر شد از شؤون اختصاصی روحانیت نیست بلکه شرط اصلی امامت آن صحت نماز و مملکت عدالت است

۶ - و بالاخره در رأس امور روحانیت اساتید بزرگ حوزه های علمی و مراجع بزرگ و زعماء که از نظر مقام علمی و عملی مورد قبول و وثوق دیگرانند و مسئولیت بیشتری در حسن اداره مسلمین دارند،

قرار گرفته اند و البته این قسمت از دانشمندان دینی، همان فقهاء و زعماء و متبحرین در علوم عالی اسلامی هستند و علاوه بر جهات علمی، دارای مقام تقوی و عدل نیز بوده، با روشن بینی و در نظر گرفتن اوضاع جهان و طبق مصالح مسلمین در موارد مقتضی راهنمایی های لازم را همینمایند و تقریباً مرکز ثقل فعالیت ها محسوب می شوند چنانکه اشاره شد باید دانست کلمه روحانی ریشه و مستندی در آیات و احادیث اسلامی در مورد این طبقه ندارد و احتمالاً از مسیحیان بوده و کم کم معنای فعلی را یافته است.

سؤال: آیا روضه خوانی و انجام مراسم عقد ازدواج و قربانی و

نظائر آن نیز از شئون روحانیت محسوب می شوند؟

جواب: در مورد روضه خوانی، اگر مقصود نقل تاریخ و قضایای

قیام امام حسین در مقابل خلیفه غاصب و نالایق وقت و ضمناً بیان حقائق اسلام و بطور کلی ذکر فدا کاریها و استقامت علی علیه السلام و ائمه دیگر شیعه در راه حق و معارف عالیة اسلام باشد، خود یکی از بهترین درسهای تبلیغی و تربیتی زنده است و بنابراین یکی از همان مشاغل روحانیت بشمار میرود.

زیر این نوع تبلیغ (که با اصطلاح بیوگرافی گفته میشود و متضمن

کمالات پیشوایان و بزرگان که نمونه های تربیتی اسلامند و هدفشان برقراری عدل و مبارزه باستم و سوء استفاده بوده است و در راه ترویج حق مواجه با مخالفت ستمگران و جهال شده و در نتیجه بعضی زندانی و مسموم شده و بعضی قیام کرده و بدرجه شهادت رسیده اند) بسیار مؤثرتر از

بیان يك سلسله امور کلی است و این خود فرصت بسیار گرانبها و وسیله بسیار خوبی است که همه ساله مخصوصاً بین شیعیان تجدید میشود و اگر اداره کنندگان توجه داشته باشند می توانند از آن حداکثر استفاده را از هر جهت در معرفی حقیقت دین و اصلاح اجتماعات مسلمین بنمایند.

و همین است معنای ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة و نیز در زیارت اربعین خوانده میشود و بذل مهجته فيك ليمتنقذ عبادك من الجهالة و حيرة الضلالة یعنی او خون قلب خود را در راه تو (خدا) داد تا در نتیجه آن بندگان تو از نادانی و سرگردانی گمراهی نجات یابند.

و سابقاً کسانی که این کار را می کردند جریان قیام امام حسین را از روی کتابی که بنام « روضة الواعظین » در شرح حالات ایشان نوشته شده بود میخواندند و این لقب روضه خوان از آنجا ماند.

و اگر اصل مرام و مقصد قیام حسینی فراموش شده و فقط بعنوان تبرک و ثواب کلماتی چند از مظلومیت ایشان گفته شده و از تحریک عوطف مردم در مورد حمایت از مظلوم، تنها به گریه ای فئاعت شود و فرمایش آنجناب که مکرر در روز شهادت خود فرمود: « انی لاری الموت الاسعاده و لا الحیة مع الظالمین الاسر با تشریح نکرده و مجالسی که تشکیل میشود فقط با خواندن مرثی که احیاناً با مضامین زننده و الحان مخصوصی صورت میگیرد و یا با گفتن بعضی مطالب نادرست و مقرون بخرافات و حرفهای باور نکردنی و یا مدح و ثنای اشخاص

و رجال و... بر گزار شود ، نه تنها از مشاغل روحانیت نیست بلکه اصلاً مربوط به بدین و دیانت هم نمیباشد .

و اما سایر موارد ، مشاغل روحانیت نبوده و از وظائف اختصاصی رهبران دینی نیست و هر کس میتواند بطور صحیح این دستورات اسلام را بجا آورد .

مثلاً در مورد قربانی در اسلام چنین نیست که مانند یهود باید حتماً بدست کاهن قربانی انجام گیرد .

و در مورد عقد ازدواج چنان نیست که بدون دخالت یک کافر بنام روحانی عقد صحیح نباشد، ولی چون معمولاً در ایران غیر از روحانیین کسی نمیتواند صیغه را درست اجرا کند ، ناچار بدست روحانیین انجام میگردد و البته شرکت عالم دینی برای تذکر دادن بیک سلسله مطالب بطرفین لازم است ، که متوجه وظائف خود باشند و الا در صورت اجرای صحیح عقد و وجود شرائط ، هر فرد مسلمان که آشنا باشد میتواند این کار را انجام دهد .

و استخاره و دعا خواندن نیز که جزء توقعات مردم از روحانی قرار گرفته چیزی نیست که بتوان از شئون روحانیت محسوب داشت ، و بطور کلی هر کس که سهمی در شناساندن قسمتی از معارف اسلامی را ب مردم داشته و علماً یا عملاً آنها را براه راست دعوت میکند و خود نیز ب آنچه میگوید معتقد است و عمل میکند ، بهمان اندازه از روحانیت بهره مند است ، حال اگر در این میانه امور مختلفه ای از آنچه سؤال کردید روحانی انجام داد ، از این جهت نیست که اینها از

شون اختصاصی اوست؛ بلکه برای این است که ممکن است بهتر انجام دهد و البته يك قسمت از امور را که فقط بمنظور استفاده مادی و تحریک عواطف دینی مردم بِنفع شخصی انجام میشود نمی توان از روحانیت دانست چنانکه بناهای مختلف (که در بعضی موارد بسیار زنده هم هست) از آن سوء استفاده میشود و روح اسلام از آنها بیزار است

سؤال - این صنف از چه راه باید گذران کنند؟ و چه آثاری از ایشان در مجتمع وجود دارد؟

جواب - میدانیم که سربار بودن بر دیگران بسیار ناپسند است و در حدیث است «ملعون ملعون من القی کلمه علی الناس» و همانطور که پیغمبران بوده اند باید استغناء طبع داشته باشند و لذا در روحانیت هر کس بتواند زندگی خود را اگر چه فقط باندازه کفاف، تأمین کند؛ توقعی از احدی ندارد و نباید هم داشته باشد چنانکه راویان احادیث (غالباً) چنین بوده اند ولی اگر طرز کار آنها طوری است که بواسطه صرف تمام وقت و تمام قوا برای فرا گرفتن مطالب تحصیلی یا انجام امور تبلیغی و دیگر وظائف لازم، از تدریس و غیره بکارهای دیگر نمیرسد و خودش هم وسیله دیگری ندارد باندازه رفع حاجت از بیت المال مسلمین استفاده میکند و عایدی بیت المال يك قسمت توسط مسلمین علاقمند که بدستور اسلام مقداری از نتیجه دسترنج خود را با کمال میل و رغبت، صرف امور دینی و عام المنفعه میکنند، پرداخت میشود و قسمت دیگر باید از موقوفات و ثروت های عمومی کشور یعنی

معادن - جنگلها - دریا - دریاداری و غیر آنها که بنام انفال هستند در صورتی که کشور اسلامی و سران آن علاقمند به پیشرفت اسلام و رهبران بزرگ کاردان باشند تأمین کرده . و در صورت اجرای صحیح آن ، ریشه فقر و بدبختی نیز از میان برداشته می شود و همه یک زندگی مرفه انسانی پیدا خواهند کرد .

و اما اثر وجودی این طبقه ؛ آشنائی مردم به وظائف فردی و خانوادگی ، آداب صحیح داد و ستد ، قوانین حقوقی و جزائی اسلام ، رغبت دادن مردم به نیکیها ، جلوگیری از کارهای خلاف عفت و اخلاق و اصلاح عمومی و همچنین آشنا نمودن مردم با آثار بزرگان بوسیله نشر کتب و بالاخره « آشنا کردن مردم بادین و مذهب » است که نتیجه زحمات پیغمبران عظیم الشان میباشد .

و اگر تبلیغات دینی نبود ، دستگاہهای شهربانی و زندان و داد گستری با همه وسعت و بودجه سنگینش باز بسیار کم بود و از طرفی خود کسانی که باید حافظ نظم و نگهبان راستی و عدل باشند باید معتقد به امری فوق مادیات باشند و گرنه چطور ممکن است خودشان آلوده به خیانت نگردند .

و اینهمه آثار نیک از بناهای خیر عام المنفعه ، مانند بیمارستانها ، پلها ، آب انبارها و موقوفات برای نگهداری ایتام و اطعام بینویان و بسیاری کارهای خیر دیگر ، نتیجه زحمات روحانیین حقیقی بوده است که با فراهم بودن هر گونه و سائل برای جمع مال ، خود بیک زندگی ساده قناعت کرده و قدمهای خیر برای جامعه برداشته اند ، صدراعائله را

اداره می کردند ولی عائله خودشان فقط باحد اقل آنچه ممکن بود زندگی می کردند مبالغ هنگفتی توسط آنها بمصرف میرسید ولی خود وقت رحلت از جهان ثروتی بهای نگذاشتند .

اینها قسمت کوچکی از اثر وجودی روحانی حقیقی است و اگر عنایتی در تربیت محصلین دینی مبذول شود و این استعدادها گرانبها آنطور که باید و شاید بکار افتد چون آمیخته با تقوی و پاک نیت است نهضت عظیمی در دنیای اسلام بلکه در تمام دنیا بوجود خواهد آورد و این مطلبی است که شایسته است روی آن مطالعه کرد تا آثار وجودی رهبران دینی بهتر محسوس گردد .

سؤال - آیا برای منبر رفتن و تصدی منصب تبلیغ احکام چه

شرایطی وجود دارد و از چه مقامی باید اجازه منبر رفتن صادر شود ؟

جواب - متأسفانه با اینکه مسئله اداره مجالس دینی و اجتماعات

مذهبی ، یکی از حساسترین مطالب و بارزترین مشاغل روحانیت

است ، و از نظر واقع برای تصدی این مقام صدها شرط و قید وجود دارد ،

عملاً اصلاً تحت شرایط و مقرراتی نیست و بهیچوجه محدود و منضبط نمیشود

همه کس با کمال آزادی میتواند وارد این شغل شود ، و همین آزادی

بی قید و شرط و بی بند و بار ؛ مقدار زیادی از اهمیت و حساسیت موضوع

کاسته و مسئله و عطف و تبلیغ را که بدون تردید از شریفترین و مهمترین

و بهترین مشاغل و مناصب است تا سرحد یک تشکیلات بسیار عادی و

همگانی پائین آورده است .

اگر کسی بخواهد راستی و وظیفه یک نفر مبلغ واقعی را از این

راه انجام دهد، باید از لحاظ علمی و اطلاعات، بسیار مایه‌دار باشد، غیر از بنیة علمی؛ باید با اسلحه اطلاعات فراوانی از تفسیر قرآن، احاطة بتواریخ اسلامی، علوم اخلاق، رجال، کلام، فلسفه، قسمتی از علوم جدید، علم روانشناسی و بالا تر از همه معارف اجتماعی اسلام، و اطلاع بر منطق روز و احساس احتیاجات مردم .. مجهز باشد.

تقوی؛ حقیقت و واقعیت، حسن سلیقه، حسن وجهه، بی-اعتنائی بمادیات و استعداد ذاتی برای اداره اجتماعات منظمی که خواهی نخواهی با اختیار او گذاشته میشود، همه از شرائط لازمه یک نفر مبلغ است.

بایکدنیا تأسف، در وضع موجود؛ دروازه این تشکیلات برای همه کس باز است، هر فردی بدخواه خود میتواند وارد این سازمان بی در و دربان شود، و افکار و مغزهای مردمی که بایکدنیا علاقه درمجامع و مجالس شرکت میکنند در اختیار بگیرد و فقط باین دلیل که صدای خوبی دارد، یا خوب میتواند زاری نامه بخواند و یا در بین تمام فضائل فقط پررو یا باصطلاح پرچربزه است، خود را لایق این مقام دانسته، و چه بسا با همین مایه های بی اساس و موهوم، افراد دانشمندی که بایست از این راه بافکار مردم خدمت کنند، رنجانده و از صحنه تبلیغ بیرون کرده و نمیکذارند انجام وظیفه نمایند.

الان بقدر کافی افراد لایق در حوزه های علمیه وجود دارند که با مختصر توجه و تربیت زعمای قوم میتوانند مبلغ جامع الشرائطی باشند و در صورتیکه امر تبلیغ تحت انضباط باشد حوزه های علمیه

بتمام نقاط ایران ، از شهرها و دهات ؛ میتواندمبلغ بدهند و در اینصورت خوب هم نتیجه بگیرند ، اما همین نا بسامانی نه تنها از دلگرمی و پشت کار محصلین دینی کاسته و میکاهد، بلکه اگر این وضع ادامه داشته باشد خوف آن میرود مبلغین موجود و مشغول کار هم در کار خویش سست شده و روز بروز از حجم نتایج تبلیغات کاسته گردد و احیاناً نتیجه معکوس باشد .

اینمطلبی نیست که بر آنها که تماسی با مسئله تبلیغات دارند پوشیده باشد و کم و بیش بسیاری از طبقات از این وضع اظهار ناراضیتی میکنند در رأس ناراضی ها خود اهل علم و روحانیت اند که بیش از همه پی بزبانهای عدم تشکیلات برده اند و جمله «نظم این امور در بی نظمی است» که مدتی بر افکار عده ای حکومت داشت دیگر کمتر شنیده میشود و همه احساس یک وظیفه سنگین در راه سر و سامان دادن بتبلیغات مینمایند و لذا این امید کاملاً در ما زنده است که یکدفعه اقدامات جامع الاطرافی با همکاری طبقات مختلف شروع گردد :

طبقه شریفه زعما و اداره کنندگان حوزه های علمیه مخصوصاً دو حوزه مرکزی قم و نجف ، تبلیغات را تحت تشکیلات مخصوصی در آورند و برای این منظور ، افراد مناسبی را در نظر بگیرند و کادر مبلغین را در حوزه مشخص و معلوم نمایند ، علمای شهرستانها هم در این قسمت همکاری کرده و مجالس شهرستانها و دهاتی که در حومه اداره آنها است ، تحت نظر بگیرند ، مدیران مجالس و محافل و

صاحبان موقوفات، برای انتخاب مبلغ و گوینده، با حوزه‌مرکزی یا عالم شهرستان نزدیک خود مشاوره داشته باشند مردم و مستمعین هم در این جهت همکاری کنند و بمبلغین لایق و شایسته توجه داشته و بانا شایسته‌ها با بی اعتنائی رو برو شوند و بالاتر از همه جلو گیری بعضی کدائیه‌ها که در این مجالس باسم دین صورت میگیرد؛ و راستی روح دین از آنها متنفر است و مخصوصاً موقعیکه که گدا بلباس اهل علم و روحانیت درآید که بسیار زننده و موهن و نا مناسب است، جداً جلو گیری کنند و نگذارند بیش از این، مجالس با عظمت و اجتماعات شریف و مقدس دینی بصورت هرگز گدائی درآید.

اینها انتظاراتی است که هر فرد دلسوخته و علاقه‌مند ب مذهب و تبلیغ احکام این روزها از این طبقات دارد و بامید یک آینده بهتر برای سازمان تبلیغی اسلام؛ آرزوی چنین اقدامات، یا هر راه بهتر دیگر را که صلاح بدانند در دل میپروراند.

اینکه کسی بگوید امر بمعروف و نهی از منکر، که روح تبلیغات است منحصر باشخاص خاصی نیست و نباید محدود گردد مغالطه‌ای بیش نیست؛ زیرا آن حکم امر بمعروف اختصاص باین مجالس ندارد و وظیفه همه است که در خانه، مدرسه، بازار، اداره، مغازه؛ تجارتخانه، کارخانه... همه جا مسلمین یکدیگر را بخوبی دعوت کنند و از گناه و جرم باز دارند، و این مسئله غیر از اداره اجتماعات

است که همه کس لیاقت نداشته و بلکه میشود گفت وظیفهٔ نهی از منکر ایجاب میکند که جلوی این سبک انجام وظیفه ای که باعث تخریب و ضایع کردن مجالس و تفویت وقت مردم است گرفته شود.

پنجهزار خود کشی

مؤسسهٔ تحقیقات بهداشت روانی در لندن اعلام داشت، هر سال پنج هزار زن و مرد انگلیسی خود کشی میکنند و این رقم برابر با تلفات ناشی از حوادث اتومبیل در این کشور است.

در شهر ۹ میلیون نفری لندن هر روز بطور متوسط سه خود کشی صورت میگیرد.

نقل از روز نامهٔ کیهان ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۱
شمارهٔ ۵۶۴۵ آنها که خیال میکنند در دنیا متمدن، سکون و آرامش در زندگی حکمفرماست بخوانند.